

الزامات راهبردی گفتمان انقلاب اسلامی ایران در قبال رقابای منطقه‌ای (با تأکید بر رژیم صهیونیستی)

امیرعلی کتابی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

چکیده:

جمهوری اسلامی ایران، در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب، به‌منظور مقابله با انزوای بین‌المللی تحمیلی و گسترش حوزه نفوذ خود با تشکیل اتحادهای ایدئولوژیک، درصدد جبران انزوای ژئوپلیتیکی است. در مقابل ایران، رقابای منطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی و همچنین نیروهای خارجی اثرگذار، مانع تحول و توسعه و امنیت پایدار ایران در منطقه هستند. ایران به نسبت دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و حتی بیشتر، طی دو دهه اخیر تلاش کرده است که خود را به عنوان بازیگر کلیدی سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی در تعریف و طراحی و اجرای ابتکارات مختلف منطقه‌ای معرفی کند. علی‌رغم تلاش‌های آمریکا و متحدانش برای تحریم و فشار بر اقتصاد ایران و منزوی‌سازی سیاسی آن، سیاست منطقه‌ای این کشور در غرب آسیا طی یک دهه اخیر در حال گسترش بوده است. سؤال اصلی پژوهش این است که الزامات راهبردی گفتمان انقلاب اسلامی ایران در قبال رقابای منطقه‌ای (با تأکید بر رژیم صهیونیستی) چه بوده است و فرضیه اصلی پژوهش هم این است که الزامات راهبردی منطقه‌ای عموماً تحت عناوین، بکارگیری دیپلماسی فرهنگی، ابزارهای رسانه‌ای، بهره‌گیری از متحدان منطقه‌ای، اتخاذ رویکرد بازدارندگی و ائتلاف با مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی و دولتی و غیردولتی در سطح منطقه غرب آسیا می‌باشد.

واژگان اصلی: الزامات راهبردی، انقلاب اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی و رقابای منطقه‌ای.

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، تهران، ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

ایران به عنوان یک کانون زیرمنطقه‌ای قدرتمند و مستقل ژئوپلیتیکی و بانفوذ قابل توجه بر همسایگان، پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه. ش، به گونه‌ای نظم و ساختار ژئوپلیتیکی منطقه را تحت تأثیر قرار داده و با جدایی از قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، به نوعی موجب استقرار نظم و ساختار نوین ژئوپلیتیکی و متعارض بانظم گذشته شد که این رخداد (انقلاب اسلامی ایران) سبب تنازع و هم‌آوردی بین ایران و سایر قدرت‌های مخالف، در سطح منطقه گردید. نقش‌آفرینی ایران در منطقه همراه با سایر رخدادهای مهم مانند بهار عربی و تجدید ساختار منطقه‌ای، موجب شد تا چنین به نظر رسد که ج.ا.ایران از بستر به وجود آمده برای حفظ خود و ایجاد نظم و ساختار مطلوب و تأثیر بر سایر قدرت‌ها و کشورهای منطقه، استفاده می‌نماید تا با تحت تأثیر قراردادن فرآیند برقراری امنیت پایدار در منطقه و ایجاد تحول در موازنه قدرت‌های منطقه‌ای؛ متفاوت با نظم ژئواستراتژیک جهانی، به هدف نهایی خود که ضمن آرمان‌های انقلابی و اسلامی، یک "نظم و ساختار ایران محور" است، نائل آید.

با در نظر گرفتن اینکه؛ هرگونه رخدادی در درون یا بیرون یک مجموعه امنیتی، می‌تواند به دگرگونی در توزیع قدرت، نظام امنیتی، نقش و جایگاه بازیگران یا تغییر الگوی دوست و دشمن در درون مجموعه امنیتی منجر شود؛ عملاً این حضور و فعالیت محور مقاومت در منطقه جنوب غرب آسیا، سبب تقابل، تعارض و هم‌آوردی میان قدرت‌های منطقه‌ای و نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای فعال در آن شده و نظم ساختار ژئوپلیتیکی منطقه را متحول ساخته است.

هرچند جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود در خصوص مقاومت اسلامی و جنبش‌های رهایی‌بخش مسلمان منطقه، نگاهی مبتنی بر آرمان‌های انسانی و انجام وظایف و دستورات الهی و یا به عبارت بهتر ایدئولوژیکی دارد، با این وجود، پیگیری موضوع مذکور هیچگونه منافاتی با تأمین امنیت ملی ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی ندارد. در کنار جنبه‌های انسان‌دوستانه و بعد معنوی، دینی و مذهبی، همکاری ایران با محور مقاومت، واکنشی به ادراک تهدیداتی است که در فضای منطقه‌ای غرب آسیا بر علیه آن شکل گرفته است و از منظر این همکاری - ابتدا به ساکن - ماهیت تهاجمی نداشته است و این پشتیبانی به منظور بازدارندگی در برابر قدرت‌های تهدیدگر در محیط منطقه‌ای به وجود آمده است. به عبارت دیگر، نیات و انگیزه‌های تهاجمی حاکم بر نظام جهانی آمریکا و همیمانان منطقه‌ای آن در محیط امنیتی منطقه غرب آسیا، ادراک تهدید مختلفی از جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در

سال ۱۳۵۷ تصویر ساخته است و به همین دلیل، به موازنه‌سازی در معادلات امنیتی این منطقه برای ایجاد بازدارندگی به رویکرد اصلی حاکم بر سیاست خارجی آن تبدیل شده است. در کنار فرصت‌ها و قابلیت‌ها، محور مقاومت دارای آسیب‌پذیری‌ها، چالش‌ها و ضعف‌هایی است که می‌تواند قابل بهره‌برداری توسط رقبا و کشورهای متخاصم منطقه بر علیه ایران و منافع و امنیت ملی آن باشد، مانند اقتصاد ضعیف و ادامه اختلافات میان جامعه شیعه و سنی و یا خود شیعیان بر سر نوع تعامل با ایران و یا پذیرش آرمان‌های سیاسی و ایدئولوژیک آن، فشار اقتصادی ناشی از تامین هزینه‌های محور مقاومت و تلفات انسانی ناشی از حمایت مستشاری نظامی.

چارچوب نظری پژوهش

راهبرد از چهار عنصر اهداف و منافع بازیگران شامل تعمیق هویت، افزایش قدرت، تولید ثروت و تأمین امنیت؛ قدرت و توانمندی بازیگران شامل قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و قدرت گفتمانی؛ مسائل و موانع شامل تضادها و تعارض‌ها، تعرفه‌ها و موانع تجاری، مسائل سیاسی دیپلماتیک و مسائل هویتی ایدئولوژیک و نگرش و رویکردها شامل ستیزه‌جویی، رقابتی، همکاری‌جویانه و جمع‌گرایانه تشکیل می‌شود. از این رو برای تبیین راهبرد بازیگران باید بر چهار عنصر پیش گفته، تأمل شود. از سوی دیگر راهبرد بازیگران منطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی را می‌توان از طریق مفاهیم زیر را بیان و در قبال آن الزامات گفتمان انقلاب اسلامی را تبیین نمود.

✓ اتحاد پیرامونی

یکی از راهبردهای مهم رژیم اسرائیل در حوزه سیاست خارجی، اتحاد پیرامونی است که بر اساس آن، این رژیم می‌باید روابط استراتژیک خود با کشورهای مسلمان غیرعرب در خاورمیانه را گسترش دهد. این راهبرد توسط بن‌گوریون، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، بسط پیدا کرد و در رابطه با ترکیه، ایران قبل از انقلاب اسلامی و اتیوپی به شدت دنبال شد. بر اساس این دکترین اسرائیل به مدت طولانی از همکاری‌های گسترده نظامی و صنعتی با این کشورها بهره‌میرد (Teller, 2014: 100) در چارچوب اتحاد پیرامونی، روابط قوی دوجانبه با کشورهای مهم غیرعرب، خطر پان عربیسم که حول موضوع فلسطین و اتحاد عرب‌ها شکل گرفته بود را خنثی می‌کرد. این رژیم راهبرد پیش گفته را در چهار دهه اول تأسیس خود، یعنی تا فروپاشی شوروی سابق به‌خوبی پیش برد و از منافع آن سود جست. (محمودی رجا و دیگران، ۱۳۹۷:

(۱۲).

✓ بازدارندگی

بازدارندگی درصدد جلوگیری از اقدام احتمالی دشمن و تهدیدکردن دشمن به اقدام تلافی جویانه در قبال کشور مهاجم است. تهدید مقابله به مثل ضد مردم دولت رقیب یا زیرساخت های صنعتی آن صورت می گیرد. بازدارندگی تنها از طریق ایجاد مانع فیزیکی در مقابل اقدام نظامی موجب ایجاد و تأمین امنیت نمی شود، بلکه با تهدید به انجام واکنشی که برای کشور متخاصم بسیار پرهزینه است، باعث به وجود آمدن امنیت می شود. (کالینز، ۱۳۹۸: ۲۲۶-۲۲۵)

✓ امنیتی سازی

بوزان، ویور و دی ویلد، این استدلال را مطرح می کنند که «امنیتی سازی» اقدامی است که سیاست را از قواعد

تثبیت شده بازی فراتر می برد و موضوع را در قالب خاصی از سیاست سازماندهی می کند و جایگاه آن را فراتر از امر سیاست قرار می دهد. کنش امنیتی سازی به طبقه بندی پذیرفته شده پدیده ها، افراد یا موجودیت های خاص به عنوان تهدیدهای وجودی اشاره دارد که نیازمند به کارگیری تدابیر اضطراری است. کنشگر امنیتی ساز یک موضوع به تازگی سیاسی شده را به عنوان یک تهدید وجودی برای یک مرجع اشاره مطرح می کند. (کالینز، ۱۳۹۸: ۱۹۲)

✓ پیشینه سازی قدرت

جان میرشایمر در چارچوب «واقعگرایی تهاجمی» بر این اعتقاد است که دولت ها از آن رو که به توانمندی سایر دولت ها متمرکز می شوند، برای کسب قدرت به رقابت می پردازند و تلاش می کنند تا حد ممکن قدرت خود را افزایش دهند. هر دولت هر اندازه که قدرتمند باشد، به همان میزان نیز می تواند از موجودیت خود در مقابل حمله های سایر دولت ها محافظت کند. از این رو تلاش می کند به یک قدرت غالب و هژمونیک تبدیل شده باشد. در این قالب، پیشینه سازی قدرت یک ابزار و نه هدف است. دولت ها برای تضمین بقایشان، به پیشینه سازی قدرت دست می زنند. (باقری نژاد و قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۰۵)

منطقه غرب آسیا نقطه اتصال سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا به شمار می آید و جزء مناطق بسیار با اهمیت و راهبردی درسیکل قدرت جهانی است. این منطقه از منظر ژئوپلیتیکی قلب اوراسیا، محل رفت و آمد کریدورهای زمینی، راه آهن و هوایی و جزء مهمی در جامعه بین المللی

به شمار می‌آید. غرب آسیا دارای منابع فراوان زیرزمینی است و وجود این منابع بدیع، از یک طرف موجب دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه شده و از طرف دیگر، حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای در دهه‌های گذشته نوعی وضعیت نیمه استعمار را در پی داشته است. علاوه بر این، عمده کشورهای این منطقه در خط مشی خارجی خود، نگاه رقابتی و تخاصم‌آمیز در قبال همسایگان خود اتخاذ کرده‌اند که این موضوع موجب خلق دور باطلی از رقابت‌های منطقه‌ای و افزایش دشمنی‌ها گردیده و در نتیجه، کاهش فضای همکاری جویانه در غرب آسیا را به دنبال داشته است. این شرایط نوعی تعلق امنیتی را در میان آرایش‌ها و صف‌بندی‌های گوناگون در میان دولت‌های این منطقه به وجود آورده است که سبب گردیده دولت‌های منطقه، تهدیدات امنیتی - محیطی یکسانی را تجربه کنند و یک مجموعه امنیتی را پیرامون این مرکز جغرافیایی شکل دهند. یکی از این دسته‌بندی‌های عمده و بسیار مهم در درون این مجموعه امنیتی غرب آسیا، ائتلاف محور مقاومت به شمار می‌آید که با عنایت به مقاصد و علایق خود، نتایج مهمی را در این مجموعه امنیتی در پی داشته است (عسگری کرمانی و معین‌آبادی بیدگلی، ۱۴۰۰: ۱۲۸).

کشورها در برابر تهدیدات هژمونیک در نظام بین‌الملل سه انتخاب راهبردی پیش رو خواهند داشت: **راهبرد موازنه قدرت**، **راهبرد دنباله‌روی** و **راهبرد کنارکشیدن**.

کشوری که به تنهایی و یا با همراهی دیگر بازیگران، **راهبرد موازنه قدرت** را انتخاب می‌کند، در واقع با تهدیدات هژمونیک، از طریق جنگ، ائتلاف سیاسی و اتحادهای نظامی مقابله می‌کند. کشوری که **راهبرد دنباله‌روی** را انتخاب می‌کند، اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی و نظامی با قدرت هژمون یا بالقوه هژمون برقرار می‌کند و به کارزار آن کشور می‌پیوندد. انتخاب **راهبرد کنارکشیدن** نیز مستلزم آن است که به هیچ کارزاری نپیوندد و با اتخاذ بی‌طرفی تلاش کند از کشمکش و تقابل میان طرفین دور بماند (سازمند و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۶۱). این سناریو در وضعیت آنارشیکی نظام بین‌الملل پیش‌روی کنشگران و در اینجا غرب آسیا است. کشورهای این منطقه براساس راهبردهای بالا رفتار خود را تنظیم می‌کنند. اتحاد و اردوگاه مقاومت به رهبری ایران در واقع کارزاری در مقابل تهدیدات هژمونیک ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا در دو دهه اخیر به شمار می‌آید. والت معتقد است که کشورها عموماً در برابر عامل تهدید به موازنه روی می‌آورند. این همان نکته‌ای است که در یافته‌های والت از غرب آسیا در فصل سه و چهار کتاب *منشاء اتحادها* نیز مستتر است. وی معتقد است که در یک دوره بیست و چهار ساله

(۱۹۷۹-۱۹۵۵) از همسویی‌های خاورمیانه و تجربیات چهار کشور جنوب غربی آسیا پس از جنگ جهانی دوم، دولت‌ها به‌طور قاطع در برابر تهدیدکننده‌ترین دولت، موازنه را برقرار کردند تا اینکه با آن کشور یا عامل تهدید متحد شوند (Walt, 1987: 50-13).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی نظام سلطنتی که رویکرد حفظ وضع موجود در منطقه داشت، دگرگونی در سطح منطقه غرب آسیا پدیدار گردید. اصلی‌ترین اثر پیروزی انقلاب اسلامی ایران ضدیت با معادلات سیاسی ایالات متحده در سطح منطقه و مقابله با رژیم صهیونیستی بوده است. برقراری اسلام سیاسی ناشی از گفتمان انقلاب اسلامی، موجب شکل‌گیری محور مقاومت با پیشرانی و جایگاه محوری و رهبری ایران گردید. براساس اندیشه سیاسی رهبران ایران، تداوم نظام جمهوری اسلامی و تعمیق و گسترش زبان و انگاره‌های انقلاب از اصول مهم تأمین امنیت به شمار می‌آید که بین امنیت کشورهای اسلامی و امنیت ملی، نوعی ارتباط و پیوند شکل می‌دهد و براساس آن، توانمندسازی و گسترش محور مقاومت موجب ارتقا امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۶). به‌طور کلی، ظهور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ باعث قوام‌یابی هویت نوینی برای این بازیگر در سپهر داخلی و بین‌المللی شد، هویتی که با اهمیت‌ترین ساختار بین‌الادّهانی تکوین بخش آن، هنجارهای ناشی از فرهنگ ایرانی - اسلامی بود و به همین دلیل و براساس هویت انقلابی - اسلامی که برای ایران به وجود آمد، معیارهای گوناگونی برای خودی‌ها و دگرها در سطوح فراملی و نیز ملی شکل گرفت و بر پایه همین معیارها، مرزهای نوینی در میان دوستان و دشمنان خلق شده و رویدادهای بیرونی (از جمله مناقشه اعراب و فلسطین در برابر رژیم اشغالگر قدس) نیز تفسیر و تعبیر شد (Moshirzadeh, 2010: 156).

رویکرد راهبردی جمهوری اسلامی ایران و نظام امنیت منطقه‌ای

رویکرد راهبردی را باید به عنوان یک نظام امنیت منطقه‌ای در نظر گرفت. به‌طور کلی، کشورها در سیاست خارجی خود برای تأمین علائق و منافع ملی از ابزارها و شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کنند. شیوه بکارگیری راهبردها و تاکتیک‌ها باید با اندازه موفقیت آن‌ها در تأمین منافع ملی ارتباط منطقی داشته باشد. دولت جمهوری اسلامی و متحدان منطقه‌ای آن در مقابل کارزارها و اردوهای مختلف سیاسی و راهبردی در غرب آسیا از چه رویکردی می‌توانند بهره‌جویند که از

مداخله‌گری و توسعه‌طلبی راهبردی آن‌ها جلوگیری به عمل آورند؟ این کشورها و بازیگران که اکنون اتحاد محور مقاومت هستند، از راهبردهای گوناگونی می‌توانستند بهره‌جویند. نخست، بازیگران عضو محور مقاومت می‌توانستند، **راهبرد همگرایی** را در پیش گیرند و در قالب آن به یک اجتماع جدید برسند؛ راهبرد دوم، تأسیس یک **رژیم امنیت منطقه‌ای** است که مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح یا ضمنی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری به شمار می‌آید که انتظارات و علائق بازیگران حوزه‌ای خاص را هماهنگ و برآورده می‌کند؛ **نظام امنیت دسته جمعی** راهبرد دیگری پیش‌روی بازیگران منطقه غرب آسیا است، به این معنی که با مشارکت در یک سازمان امنیت جمعی، به ائتلافی با قدرت اکثریت علیه متجاوز متعهد شوند؛ نظام بازدارندگی راهبردی دیگر در زمینه **امنیت منطقه‌ای** به شمار می‌آید و براساس آن یک قدرت با استفاده از تهدید انتقام‌گیرنده از حمله دشمن جلوگیری می‌کند؛ معادله امنیتی دیگر، راهبرد تأمین امنیت منطقه‌ای است که در آن دولت‌های جویای امنیت براساس اعتمادسازی میان خود و دوری از منازعه و جنگ، تلاش می‌کنند که از اقدامات دولت‌های طمع‌کار و مداخله‌گر جلوگیری به عمل آورند؛ در نهایت به نظام اتحاد اشاره کرد که یکی از خط‌مشی‌های سیاست خارجی دولت‌ها به شمار می‌آید. همان‌طور که اشاره شد-اتحادها- تعهدات رسمی یا ضمنی برای انجام همکاری‌های امنیتی میان دو یا چند بازیگر در برابر بازیگران خارجی یا تهدیدات امنیتی احتمالی است. برقراری نظام اتحادها را می‌توان براساس دو جهان‌بینی واقع‌گرایی و نولیبرالی شرح داد. در حالی که نولیبرال‌ها بر وجود **دستاوردهای مشترک** در شکل‌گیری نظام‌های اتحاد تأکید می‌ورزند، واقع‌گرایی و در اینجا نظریه واقع‌گرایی استنفن والت بر **عامل تهدیدات** به عنوان عامل اساسی در منشاء تأسیس اتحادها تأکید می‌کند (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۸).

بر این اساس، میزان شدت تهدیدات خارجی، اتحاد انسجام بیشتری خواهد داشت. در این پژوهش نیز محور مقاومت به عنوان یکی از نظام‌های امنیت منطقه‌ای مبتنی بر اتحاد در میان مجموعه‌ای از کنشگران دولتی و غیردولتی منطقه غرب آسیا تلقی می‌شود. بر مبنای نظر والت، کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا در برابر متحدان راهبردی که اساس شکل‌گیری بیشترین تهدید را به وجود می‌آورند، متحد می‌گردند و نظام موازنه تهدید را شکل می‌دهند. در این شرایط، اجازه مداخله‌کردن از کشورهای دشمن برداشته خواهد شد. مقدمه اصلی شکل‌گیری این موازنه، همگرایی اندیشه‌ای و مشترک بین کشورهای غرب آسیا به شمار می‌آید. در این راستا، به

نظر کشورهای غرب آسیا به رغم زمینه‌های واگرایی که وجود دارد، دارای اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی بیشماری هستند و با تقویت آن و شکل‌دهی به مناسبات راهبردی بین خود، می‌توانند از سر برآوردن ناامنی که هر لحظه امکان بروز آن وجود دارد، جلوگیری به عمل آورند (جعفری، ۱۳۹۲: ۳۰).

سیاست رژیم صهیونیستی در قبال ایران

برنامه هسته ای ایران مهمترین نگرانی اسرائیل است، زیرا این مسئله نه تنها از یک سو انحصار هسته ای این رژیم را در منطقه به چالش می‌کشد و می‌تواند باعث تشویق کشورهای عربی برای دستیابی به توانمندی هسته ای شود، بلکه از سوی دیگر، به صورت بالقوه موجودیت خود اسرائیل را نیز تهدید می‌کند. بنابراین، «فعالیت‌هایی که اسرائیل برای مقابله با این تهدید انجام می‌دهد، پیامدهای مستقیمی برای منطقه دارد. ملذا درگیری این رژیم با ایران یک مسأله مهم منطقه ای است که افزایش آن می‌تواند باعث تغییر موازنه قدرت شود» (Ehteshami, 2014:45)

ضمن اینکه پیوستگی و نیاز متقابل انقلاب اسلامی و محور مقاومت، وضعیت جدیدی در مؤلفه‌های قدرت فراملی شکل داده است و چارچوب‌های امنیتی منطقه غرب آسیا را دچار دگرگونی و به ویژه امنیت رژیم صهیونیستی را به عنوان واحدی غیرمشروع و عامل استعمار زیر سوال برده است، لذا رژیم صهیونیستی به همراه کشورهای غربی به سرکردگی آمریکا و انگلیس، همواره ایران و محور مقاومت را به عنوان تهدید جدی برای خود تلقی می‌کنند (کریمی، ۱۳۹۶: ۶).

ایران با قدرت بسیج محور مقاومت و شبکه نیابتی و شبکه تهدید خود در خارج از کشور، توانمندی قابل ملاحظه‌ای در منازعات پراکنده کسب کرده است. کشورهای عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین آوردگاه‌هایی هستند که ایران در هر یک از آنها پتانسیل بسیج مردمی بالایی دارد. این شبکه تهدید به شکل منفردانه فعالیت ندارند، بلکه نوعی برنامه هدفمند و همسویی میان آنها وجود دارد و با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی و رژیم سیاسی کشورهای منطقه، نوع راهبرد عملیاتی آنها متمایز است. در این راستا، مقابله با این شبکه تهدید ایران بدون انجام هزینه‌های گزاف و تلفات سنگین امکان‌پذیر نیست. گسترش بیشتر از سوی ایران، توانایی آن را برای استفاده از این شبکه برای تضعیف دکترین امنیتی نظام سلطه در منطقه، دشمنی با متحدان و شرکای

ایالات متحده آمریکا، کاهش نفوذ ایالات متحده و میزان خطر را برای پرسنل نظامی ایالات متحده افزایش دهد. از سوی دیگر، قوی‌ترین عامل بازدارنده تهران در برابر ایالات متحده و رقبا شامل رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز به شمار می‌آید (Tabatabai & Others, 2021: 1).

الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه

ایران بهتر است در نظام امنیت منطقه ای الزامات ذیل را به عنوان راهبرد مطلوب اتخاذ نماید:

✓ بکارگیری دیپلماسی فرهنگی در عرصه منطقه‌ای

آنچه ایران در نظام امنیت منطقه‌ای لازم دارد، سرمایه‌گذاری بر روی استفاده از قدرت نرم است، موضوعی که رهبران ایران از ابتدای انقلاب اسلامی با استفاده از قدرت فرهنگی در جهان اسلام به آن آگاهی و اشراف دارند و این همان دلیلی است که حضور آمریکا در منطقه را حضوری رو به افول و پرهزینه ساخته است. ایران باید هر بار به تدریج و مطابق با تحولات ژئوپلیتیکی، توسعه کار ویژه‌های این قدرت خود را به ویژه در عرصه فرهنگی و اقتصادی در دستورکار قرار دهد و با اقدام تدریجی از بروز هرگونه عوارض جانبی و زیان‌های نامطلوب جلوگیری نماید. دیپلماسی قدرت نرم از سوی ایران باعث ایجاد تهدید در دشمنان و رقبای منطقه‌ای ایران می‌شود، زیرا قدرت نرم می‌تواند با بیگانگی افکار عمومی در کشورهای مختلف غرب آسیا از ایالات متحده و متحدانش، در واقع با برتری نظامی ایالات متحده مقابله کند. این امر مستلزم برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و تلاش بلندمدت است. مزیت ایران، عمل در یک محیط جغرافیایی و فرهنگی است. ایران باید تلاش نماید تا با بهره‌گیری از خلاء قدرت موجود، محیط منطقه‌ای غرب آسیا را شکل دهد. تشکیل محور مقاومت باید ستون فقرات برنامه‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران باشد و از آنجاییکه درهدف اصلی ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک تهران، مسئله فلسطین اهمیت دارد لذا در این راستا، وجود محور مقاومت باید بر تحولات و روند صلح فلسطین و رژیم صهیونیستی تأثیر گذارد. برای مثال، هنگامی که تحولات ژئوپلیتیکی به نفع چنین چشم‌اندازی باشد، تثبیت محور مقاومت می‌تواند شامل حماس در فلسطین نیز شود (Venetis, 2011: 37-39).

✓ بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای

ایران دارای یکی از بزرگترین ابزارهای رسانه‌ای در منطقه است و صدا و سیما به عنوان یک نهاد رسمی تحت نظارت رهبری، بر سیاست‌های رسانه‌ای تمامی کانال‌های تلویزیونی و پخش‌های رادیویی کشور در راستای جهت‌گیری‌های دولت، نظارت می‌کند. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای ابلاغ پیام‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا امور خارجه در خصوص اعتلای انقلاب اسلامی، فرهنگ ایرانی و دیپلماسی عمومی و اصل ۱۷۵ قانون اساسی به صراحت مؤثر است. اشاعه تفکرات اسلامی و روایت‌های شیعه باید با رعایت قوانین اسلامی و منافع ملی کشور در سراسر منطقه و براساس انگاره‌های اتحادبخش میان نیروهای مقاومت اعم از دولت‌ها و جنبش‌ها صورت پذیرد. به طور کلی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای توسعه گفتمان انقلاب اسلامی از دو نقطه نظر سلبی و ایجابی تلاش دارد. از نظر ایجابی تلاش می‌نماید که برخی مفاهیم و معانی را تثبیت کند و به بازتولید قدرت و تداوم آن پردازد و از منظر سلبی نیز از بازنمایی‌های رقیب و معارض جلوگیری به عمل آورد (اشرف نظری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). این همان الزامی است که بایستی پیش‌روی راهبرد رسانه‌ای صدا و سیما در سطح منطقه‌ای و محور مقاومت قرار گیرد. (Booyesen, 2021: 24-69).

✓ توسعه تعاملات انسانی

گسترش تعامل انسانی همه جانبه در زمینه‌های امنیتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راستای تامین منافع ملی ایران است. برای مثال، حضور اکثریت شیعیان در بافت جمعیتی عراق و در ساختار حاکمیت این کشور به خودی خود یک ابزار توانمند قوی برای دیپلماسی ایران است. همچنین پیوندهای قومی و زبانی کردهای عراق و سوریه با کردهای ایران و داشتن آیین‌ها و رسوم مشترک، بستر مناسبی پیش روی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه شکل می‌دهد.

✓ توسعه مبادلات دانشگاهی

دستیابی به منافع بیشتر از طریق دیپلماسی فرهنگی، جز با برنامه‌ریزی و افزودن بر حجم سرمایه‌گذاری‌ها میسر نخواهد شد. در کنار فعالیت‌های مذهبی، ایران بایستی تعاملات دانشگاهی خود با این کشورها را افزایش و برای شهروندان این کشورها تسهیلات بیشتری جهت بازدید از ایران فراهم کرده و زمینه رفت و آمد در مناطق مختلف یکدیگر را با هدف تقویت پیوندهای علمی و فرهنگی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی بیشتر بوجود آورد. این نکته را باید توجه داشت

که حمایت ایران ناپیستی منحصر به شیعیان این کشورها باشد. (جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۵). برخی دیگر از اقدامات این حوزه عبارتند از:

- تأسیس کتابخانه های عمومی
 - نشر مجلات ادبی آنلاین و فیزیکی
 - برگزاری دوره‌های آموزش زبان فارسی
 - برقراری کرسی زبان فارسی در دانشگاه‌های این کشورها
 - توسعه فعالیت آموزشی برون مرزی دانشگاه آزاد اسلامی، مدرسه ایرانیان خارج از کشور
 - اعطای بورسیه تحصیلی در دانشگاه‌های ایران و برخی مراکز فرهنگی و پژوهش.
- ✓ فعال کردن توریسم مذهبی

گردشگری مذهبی می‌تواند ابزار قدرتمند دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در راستای قدرت نرم و سیاست منطقه‌ای آن باشد و کارکرد بسیار مؤثری برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی دنیای اسلام و به دنبال آن دولت‌های این منطقه است (شیخ الاسلامی و شمس آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۴). تردد انبوهی از زائران شیعه و مسلمان ایرانی، عراقی، سوری، لبنانی، بحرین، پاکستان، افغانستان و حتی آذربایجان و نیز یمن در داخل مرزهای سرزمینی، چشم انداز مطلوبی برای توسعه آتی محور مقاومت شکل خواهد داد. این نکته را باید در نظر گرفت که گردشگری مذهبی و دیپلماسی زیارت تنها محدود به دولت‌ها و دولتمردان نیست، بلکه بر مناسبات مردم با مردم و میان ملت‌ها نیز تأثیر مثبت می‌گذارد و بیشتر رنگ و بوی دیپلماسی عمومی دارد (شیخ الاسلامی و شمس آبادی، ۱۳۹۶: ۱۶۳). با عنایت به تعاملات رسمی و غیررسمی نهفته در جنبش مقاومت منطقه‌ای و فراسوی ساخت کلاسیک دولت که در برنامه آن قرار دارد، پیگیری این ظرفیت تعاملات غیررسمی و مردمی نهفته در دیپلماسی زیارت برای محور مقاومت تأثیر مثبتی به همراه دارد.

✓ اتخاذ ابتکارات سیاسی - امنیتی منطقه غرب آسیا

تأمین جایگاه مناسب برای ایران در سیستم امنیتی آینده غرب آسیا مستلزم هم افزایی و چانه‌زنی با کنشگران منطقه‌ای است. هم اکنون با فضای فشار حداکثری دولت پیشین آمریکا و همراهی جبهه عبری و عربی منطقه با آن، به طور گسترده در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نوعی همگرایی به وجود آمده است که هر نظام امنیتی معتبر در غرب آسیا بنا به تعریف باید علیه ایران

ساخته شود نه همراه با ایران، جمهوری اسلامی ایران اصلاً متعلق به منطقه نیست، یک نیروی بیرونی در منطقه است و باید به نحوی از غرب آسیا اخراج شود، همانطور که نیروهای محور مقاومت باید از غرب آسیا دستشان کوتاه شود. این همان تصویرسازی تهدیدآفرین و ایران‌هراسی است که از سوی دستگاه فرهنگی و رسانه‌ای دشمن و رقیب، از ایران ترویج می‌شود، موضوعی که می‌تواند موازنه را بر علیه منافع ایران و محور مقاومت بسیج کند. در این راستا، یکی از ملزومات جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت و سیاست همسایگی این است که به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای، با حل مشکلات امنیتی و سیاسی با همسایگان، جستجوی راه‌حل‌های متوازن برای درگیری‌های پیچیده منطقه‌ای و اجتناب از اقداماتی که خطر تشدید ناخواسته تنش را افزایش می‌دهد، موضع سازنده‌ای در شکل‌گیری ابتکارات امنیتی منطقه‌ای داشته باشد.

منطقه غرب آسیا در دهه‌های گذشته تغییرات شدیدی را تجربه کرده است. از آنجایی که جهان در حال تجربه گذار در سطوح مختلف است، غرب آسیا نیز با مجموعه جدیدی از واقعیت‌ها، از جمله ظهور توازن قوا بین بازیگران منطقه‌ای قدیمی و در حال رشد مواجه است. از آنجایی که درگیری‌ها و تحولات جدید در منطقه بروز می‌کند و به مناقشات حل نشده موجود اضافه می‌شود، نیاز فوری به یک ترتیبات امنیتی منطقه‌ای جامع و فراگیر قابل اجرا وجود دارد که منعکس‌کننده پارامترهای روابط قدرت جدید در منطقه و همچنین منافع جمعی باشد (Khatibzadeh, 2020: 1).

برای مثال، ابتکار **صلح هرمز** به منظور برقراری امنیت در منطقه، از جمله خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان از اقدامات پیش‌دستانه ایران برای ترتیبات نظم منطقه‌ای بوده است. هدف این طرح مشارکت همه کشورهای منطقه و به دور از مداخله نیروهای خارجی بود. طرح جدی این ابتکارات، سیاست خارجی ایران را عمل‌گرایانه نشان می‌دهد، در عین حال که در چارچوب نهادینه‌شده گفتمان انقلابی‌اش عدول نمی‌کند. چنین ابتکارات گفتمانی و عملی ایران در تعامل سازنده با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، دیدگاهی جایگزین در روابط جمهوری اسلامی و خلیج فارس ارائه می‌شود. این راهبردهای متقاعدسازی گفتمانی ملزوماتی با هدف اعتمادسازی و بهبود مشروعیت ایران در منطقه است (Glombitza & Zaccara, 2021: 15).

ایران به مثابه دولتی پیشرو و در جایگاه قدرت منطقه‌ای در دنیای اسلامی و منطقه غرب

آسیا با کنش‌های اعتمادساز به ویژه در سطح نخبگان سیاسی می‌تواند از طریق دیپلماسی فعالانه‌تر، زمینه مورد نیاز برای پیوند جزایر دور از هم و اتحاد راهبردی را میان دولت‌های اسلامی منطقه شکل دهد. در کنار کشورها، گروه‌ها و جنبش‌های اصیل اسلامی نیز براساس سیاست همراهی و بندواگنی روی خواهند آورد و می‌توان از پشتیبانی نهادها و سازمان‌های قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار شوند (جعفری، ۱۳۹۲: ۳۰).

✓ همراه‌سازی چین و روسیه در نظم منطقه ای

به رغم مزیت بالای همگرایی و ترتیبات امنیتی دسته جمعی با همکاری کشورهای منطقه، اما سیستم جامع امنیت جمعی در غرب آسیا به زودی ظاهر نخواهد شد. در این راستا، یکی ملزومات سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، اشتراک دیدگاه‌های چین و روسیه با ایران در مورد لزوم ترتیبات منطقه‌ای بدیل، یک دستاورد مهم و پیام روشنی برای رقبا و مخالفان فعلی در منطقه خواهد بود. همانطور که ایران توانست در سال ۲۰۱۵ روسیه را وارد بحران سوریه کند، لذا می‌بایست از تمامی ظرفیت‌های خود برای هماهنگی و نزدیکی بیشتر میان تهران، مسکو و همینطور پکن بهره برداری نماید (Cengiz, 2020: 200).

✓ توسعه راهبرد ضد دسترسی و منع منطقه‌ای ایران در مقابل تهدیدات

در طول سال‌های آینده، گسترش فناوری‌های نظامی پیشرفته به سایر دولت‌ها اجازه می‌دهد تا راهبردهای ضد دسترسی/منع منطقه‌ای را متناسب با ویژگی‌های منحصربه‌فرد جغرافیایی و ژئواستراتژیکی مناطق خود دنبال کنند. جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه، روی قابلیت‌های جدیدی سرمایه‌گذاری کرده است که می‌تواند برای بازدارندگی، به تاخیر انداختن یا جلوگیری از عملیات نظامی مؤثر ایالات متحده در خلیج فارس استفاده شود. دستیابی ایران به تسلیحاتی که می‌تواند برای ممانعت از دسترسی به خلیج فارس، کنترل جریان نفت و گاز از منطقه، و انجام اقدامات نظامی فعالانه باشد، نگرانی و تهدید شدید ایالات متحده و شرکای امنیتی آن را به همراه دارد (Gunzinger and Dougherty, 2011: x). جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل، برای برقراری بازدارندگی لازم است که با استفاده بهینه از راهبرد عدم دسترسی و منع منطقه‌ای به دنبال موازنه تهدید در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس باشد و از این طریق به بهبود امنیت ملی خود کمک نماید. جمهوری اسلامی ایران در کنار بهره‌گیری مطلوب از جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، توسعه قدرت نظامی در عرصه‌های دریایی، هوایی، زمینی و توسعه فناوری‌های

پیشرفته نظامی اهتمام می‌ورزد (غفاری چراتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۶)، ایران باید تسلیحات مهم در توسعه راهبرد ضددسترسی و منع منطقه‌ای خود که موشک‌های کروز، قایق‌های تندرو، مین‌های دریایی و پهپادهای پیشرفته می باشد را در حوزه جغرافیایی گسترده‌تر و در سطح محور مقاومت استفاده کند تا موازنه لازم در برابر تهدیدات دشمنان و رقبای منطقه‌ای ایران شکل گیرد.

✓ توسعه راهبرد جنگ نامتقارن

با توجه به عدم تعادل بین تهدیدها و منابع از چند دهه قبل، ایران مجبور به اتخاذ راهبرد جنگ نامتقارن شده است و این موضوع عامل کلیدی راهبرد نظامی ایران در دوره معاصر را شکل می دهند. در این راستا، ضرورت دارد که ایران برای دستیابی به دستاوردهای تاکتیکی نسبت به سلاح‌های پیچیده‌تر رقا و کشورهای متخاصم، بر توسعه جنگ نامتقارن تکیه کند. ایران با شناخت محدودیت‌های قابلیت‌های نظامی منظم خود، به رویکردهای نامنظم برای ایجاد بازدارندگی نظامی خود متوسل شود. این ملاحظات راهبردی چند لایه، ایران را برای بازدارندگی از اقدام نظامی علیه ایران، به ویژه حمله آمریکا، از طریق افزایش هزینه جنگ برای دشمنانش، شکل خواهد داد. ایران با استفاده از توسعه قدرت موشکی، پهپاد، زیردریایی و مین، بر دستیابی به قابلیت های مورد نیاز تمرکز نماید. و از رویکرد جنگ هیبریدی و عناصر متعارف و غیرمتعارف استفاده کند. پس یکی از ملزومات اساسی سیاست منطقه‌ای ایران این است که همچنان دکترین نظامی ایران برای جبران عقب ماندگی قدرت فناوری نظامی خود، بر ضرورت اجتناب یا جلوگیری از درگیری متعارف و در عین حال پیشبرد منافع امنیتی خود در منطقه، از طریق تبلیغات، جنگ روانی و بده و بستان‌های نیابتی تأکید کند.

نکته‌ای که نباید در تعاملات دیپلماتیک ایران از نظر دور داشت، این مسئله است که آمریکای دولت ترامپ با سیاست فشار حداکثری و خروج از برجام، سعی در محدودسازی سیاست منطقه‌ای ایران در محور مقاومت داشته و به نوعی تلاش دارد تا سیاست منطقه‌ای را به برجام گره بزند. با عنایت به نقش فزاینده محور مقاومت در راهبرد جنگ نامتقارن و بازدارندگی ناهمپراز جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد که در تعاملات و بده و بستان‌های آتی و چانه‌زنی با غرب، کاهش فشارها بر گروه‌های مقاومت در دستور کار قرار گیرد.

✓ تقویت زنجیره تأمین نظامی متحدان منطقه‌ای

کسب جایگاه و منزلت شناخته شده در چشم انداز ژئوپلیتیکی ایران بسیار مهمتر از

تصاحب سرزمین است. برای این منظور، ایران از صادرات تسلیحات و فناوری‌های نظامی مناسب برای میدان نبرد برای گسترش نفوذ خود، مقابله با قدرت ایالات متحده و متحدانش و بهبود و تحکیم جایگاه خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای استفاده نماید. برای مثال، شرکت صنعتی و تجاری در داخل و خارج از ایران برای ارائه تسلیحات و پشتیبانی لجستیکی به نیروهای مقاومت و تعمیق زنجیره تأمین منطقه‌ای وارد شوند. در زمینه ساخت هواپیمای بدون سرنشین، موشک‌های بالستیک، شناورهای دریایی، فناوری نظامی و سایر مواردی که برای تقویت این شبکه نیاز است، فعالیت‌های شرکت‌های واسطه در ذیل فروش سوخت ایران، انتقال وجوه برای حمایت از فعالیت‌های خارجی، خرید نظامی، ارسال آنها به منطقه را بر عهده گیرند. لازم است شرکت‌های واسطه غیرایرانی توسط بازرگانان وابسته به گروه‌های وفادار به ایران در لبنان، عراق و یمن رهبری شوند و به عنوان اشخاص ثالث برای خدمت به شرکت‌های صنعتی و تجاری ایرانی عمل کنند.

نتیجه‌گیری

ابتکارات سیاسی، ابزار مهم مشروعیت‌ساز سیاست منطقه‌ای است و امکان اجماع بر علیه ایران و محور مقاومت را به چالش می‌کشد. در عین حال که ابتکارات سیاسی و امنیتی ظرفیت بالایی برای ایجاد اتحاد کارآمدتر منطقه‌ای بریستر موازنه تهدید را تسهیل می‌نماید. با عنایت به اینکه تحقق عینی و عملیاتی‌سازی این ابتکارات بسیار دشوار است، لازم است با همراه‌سازی قدرت‌های منطقه‌ای و همچنین فرا منطقه‌ای، ایده نظم بدیل در مقابل روایت رقبا و دشمنان سیاست منطقه‌ای و محور مقاومت تقویت گردد. لازم است که جمهوری اسلامی ایران توسعه دکترین نظامی جنگ نامتقارن و راهبرد ضد دسترسی و منع منطقه‌ای را در دستورکار قرار دهد، تقویت زنجیره تأمین نظامی و دفاعی خود و نیز نیروهای محور مقاومت اعم از دولتی و غیردولتی را به طور جدی دنبال کند. و همچنین با شکل دادن زیرساخت قدرت سایبری، برخی از مأموریت‌های این حوزه را با واسطه و از طریق این نیروها پیگیری نماید. از دیگر الزامات در مدیریت نیروها و نظام تصمیم‌سازی در قبال جبهه مقاومت در نظر گرفتن فرهنگ راهبردی در هر کشور در راستای تبیین وظایف و راهبردهای کلان در حوزه‌های مأموریتی برای نیروها و جنبش‌ها در کشورهای مختلف است. بی‌تردید سیاست‌ها و اقدامات در حوزه راهبردی نیروهای جبهه مقاومت در عراق با یمن، لبنان و سایر کشورها متفاوت می‌باشد و راهبران و سیاست

گذران در راهبری نیروهای جبهه مقاومت باید به این مسئله توجه ویژه نمایند.

در نهایت باید موضوع عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای منطقه به عنوان تهدید جدی برای محور مقاومت نگریست و در این راستا برخی الزامات جمهوری اسلامی ایران در اتخاذ راهبرد مطلوب در مقابله با این موضوع را متوجه آن دانست. اقدامی که تسری و توسعه این روند عادی سازی را کند نماید و یا از مسیر خود خارج سازد، از اقتضائات اساسی برنامه سیاست منطقه‌ای ایران در غرب آسیا می‌تواند باشد.

باعنایت به این وضعیت، از پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوعاتی همچون صدور انقلاب به دیگر کشورهای اسلامی و تنظیم سیاست خارجی کشور برای حمایت از مستضعفان جهان، چه در داخل و چه در خارج، محل بحث نخبگان و کارشناسان عرصه سیاست خارجی بوده است. اسلام را می‌توان مهم‌ترین جزء و شاکله هویتی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت. دیگر مؤلفه بارز هویتی برای ایران نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و تعهد نداشتن در برابر قدرت‌های سلطه‌گر است. در این زمینه، ح.ا.ا. رویکرد سیاست خارجی و اساس مناسبات خود با جهان خارج را بر پایه آیات مختلف قرآن و قاعده مهم نفی سبیل تعریف می‌نماید. در این میان، پشتیبانی از مسلمانان و جنبش‌های مسلمان‌رهای بخش از جمله جنبش مقاومت مردمی فلسطین جایگاه ویژه‌ای را احراز کرده است.

در بازه بیش از چهار دهه‌ای، ایران موفق شده تا با تعمیق مراودات راهبردی با کشورها و گروه‌های محور مقاومت، عمق راهبردی خود را فراتر از مرزهای کشور گسترش دهد. در این راستا، ایران در دو دهه اخیر در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلفی علیه آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن وارد عمل شده است، به طوری که شاید بتوانیم بگوییم که هم‌اکنون هیچ «تهدید وجودی» صریح‌تر، شفاف‌تر و خطرناک‌تر از تهدیدات ایران بر علیه امنیت، بقا و موجودیت آن‌ها وجود ندارد. برای مثال، از چشم‌انداز ادراکی رژیم صهیونیستی به دنیا، دشمنی ایران و تهدیدات آن برای این رژیم از ابتدای دهه ۱۹۹۰ با اتفاقاتی نظیر جنگ اول (۱۹۹۱) و دوم خلیج فارس (۲۰۰۳)، بن بست رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان (نبرد ۱۶ روزه خوشه‌های خشم ۱۹۹۶) و عقب‌نشینی از آن (۲۰۰۰)؛ توسعه برنامه هسته‌ای (از ابتدای هزاره جدید)؛ جنگ ۳۳ روزه (۲۰۰۶)؛ دو جنگ غزه (۲۰۰۸-۲۰۱۴) و.... تبدیل به «تهدید وجودی» شده است. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی در کنار کشورهای محافظه‌کار عرب منطقه در طول چهار دهه پس از انقلاب اسلامی در یک

بازی پیچیده و با حمایت آمریکا قادر به حفظ نسبی قدرت خود در برابر ایران بوده‌اند. هم‌اکنون در سطح راهبردی، چشم‌انداز تخصصی و دشمنی محور عبری و عربی از ایران از ادراک «کنترلی» به «تهاجمی» تغییر یافته است و در سطح تاکتیکی و اجرایی، در بُعد ابزارهای سخت به حمله مستقیم به اهداف ایرانی روی آورده‌اند و در این ارتباط با حملات مستقیم نظامی و یا ترور هدفمند نیروهای ایرانی نقش دارد. در بعد نرم، آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور با به کارگیری ظرفیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی خود، همچنین لابی و نفوذ در کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای، برنامه تقابلی خود با ایران را پیش می‌برند. در لایه‌های نیمه سخت نیز با استفاده از تحریم و فشارهای اقتصادی و اقدامات سیاسی نظیر معامله قرن، توافق صلح ابراهیم و تعمیق مناسبات با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تغییر بر ائتلاف‌ها و آرایش‌های منطقه در صدد افزایش قدرت نسبی خود در برابر موقعیت منطقه‌ای ایران در محور مقاومت می‌باشند.

- منطقه غرب آسیا ظرفیت مناسبی برای آزمون نظریه موازنه تهدید استفن والت فراهم می‌کند. همانطور که اشاره شد، همواره قدرت‌های منطقه غرب آسیا از قدرت رقبای منطقه‌ای نگران هستند. در این منطقه اهمیتی ندارد که منابع قدرت یا قدرت فی نفسه یک کشور چقدر باشد، بلکه عوامل تهدیدزای مختلفی بر تصویر دولت‌ها و کنشگران تأثیر گذاشته و جریان‌ات و اتحادها و ائتلاف‌ها را به حرکت وا می‌دارد. در این راستا، در منطقه غرب آسیا تمایز گذاشتن میان قصد و نیت کشوری که ازدیاد قدرت را دنبال می‌کند، دشوار است. بسیار سخت است که بفهمیم هدف و نیت آن تقویت بنیه دفاعی است یا خط مشی تهاجمی و تجاوزکارانه را در دستور کار دارد.

- همچنین محور مقاومت یک نظام امنیت منطقه‌ای مبتنی بر موازنه تهدید در منطقه غرب آسیا به شمار می‌آید که بازیگران دولتی با پیشرانی و اقدامات اعتمادساز جمهوری اسلامی ایران در قالب راهبرد «اتحاد» و بازیگران فرودولتی و فرادولتی در قالب گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی در قالب راهبرد همراهی به آن می‌پیوندند. در اینجا، وجود دشمن فرا منطقه‌ای یعنی ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن و همچنین رژیم صهیونیستی؛ این بازیگران را به سوی گسترش تعاملات منطقه‌ای به ویژه در چارچوب رسمی و غیررسمی و براساس راهبرد اتحاد و همراهی سوق داده است.

- ایران علاوه بر صدور آرمان‌های انقلاب اسلامی به کشورها و نیروهای مختلف که در

راستای ظرفیت و نیت بالای توسعه جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود، با انتقال تکنولوژی تسلیحاتی، قدرت آتشیاری محور مقاومت در برابر محور عبری - عربی - غربی را نیز افزایش داده است. به لحاظ جنبه‌های سستی قدرت، ایران با یک راهبرد چند وجهی، عملاً موازنه را در برابر آمریکا، رژیم صهیونیستی و سایر دولت‌های متخاصم در منطقه که بر نبردهای هوایی و جنگنده‌های نسل جدید تأکید می‌ورزند، برقرار نموده است.

منابع

- اشرف نظری، علی؛ حسن پور، علی و گراوند، ایوب (۱۳۹۴). صداوسیما و بازنمایی فرهنگ و هویت در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات ملی، ۱۶(۶۴)، ۲۱-۴۰.
- باقری نژاد، سید اصغر و قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰). نقش تفکر انقلاب اسلامی و محور مقاومت در قبال سوریه بر اساس نظریه استفان والت، مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۲۰(۹۱)، ۱۰۳-۱۲۹.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۲). استراتژی «موازنه تهدید» و امنیت دولت های اسلامی منطقه خاورمیانه، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲(۷)، ۱۱-۳۴.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ نادری، محمد و داوود، مهدی (۱۳۹۱). دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق و چشم انداز آینده در روابط دو کشور، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره ۳، ۱۷۳-۱۸۶.
- شیخ الاسلامی، محمد و شمس آبادی، علی (۱۳۹۶). چستی دیپلماسی زیارت و ظرفیت های ایران»، تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۹(۳۱)، ۱۶۱-۱۶۶.
- عسکری کرمانی، محمد و معین آبادی بیدگلی، حسین (۱۴۰۰). بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلاف ها و تهدیدها (با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه)، مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰(۲)، ۱۲۷-۱۴۸.
- غفاری چراتی، علی اصغر؛ خداوردی، حسن و کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۴۰۰). نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بعد از ۱۱ سپتامبر، علوم سیاسی، ۱۴(۵۶)، ۴۰-۵۹.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷). ژئوپولیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی، آفاق امنیت، ۱۱(۳۸)، ۵-۳۴.
- کالینز، الن (۱۳۹۸). مطالعات امنیت معاصر. ترجمه علیرضا ثمودی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶). نقش ج.ا. ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت، پژوهش ملل، ۲(۲۰)، ۱-۱۴.
- محمودی رجا، سید زکریا؛ باقری دولت آبادی، علی و راوش، بهنام (۱۳۹۷). بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی، مطالعات بیداری اسلامی، ۷(۱۴)، ۷-۲۸.

- Booyesen, Hanlie (2021), "Martyrs as a conduit for legitimacy – explaining Iran's foreign policy towards Syria", *Third World Quarterly*, 42:10, 2469-2485, DOI: [10.1080/01436597.2021.1952067](https://doi.org/10.1080/01436597.2021.1952067)
- Cengiz S. (2020), "Assessing the Astana Peace Process for Syria: Actors, Approaches, and Differences", *Contemporary Review of the Middle East*, 7 (2), pp. 200-214.
- Ehteshami, A. (2014), "Iran's Threat Perceptions". In *Defending Iran: From Revolutionary Guards to Ballistic Missiles* (pp. 14-46). Cambridge: Cambridge University Press.
- Glombitza, Olivia & Zaccara, Luciano (2021), "The Islamic Republic's Foreign Policy through the Iranian Lens: Initiatives of Engagement with the GCC", *The International Spectator*, 56:4, pp. 15-32.
- Gunzinger, Mark and Dougherty, Chris (2011), "Outside-In: Operating from Range to Defeat Iran's Anti-Access and Area-Denial Threats", *Center for Strategic and Budgetary Assessments (CSBA)*, https://www.files.ethz.ch/isn/154637/CSBA_SWA_FNL-WEB.pdf
- Khatibzadeh, Saeed (2020), "HOPE for a New Regional Security Architecture: Toward a Hormuz Community", Paper produced in the framework of the FEPS-IAI project "Fostering a New Security Architecture in the Middle East", October 2020, <https://www.iai.it/en/publicazioni/hope-new-regional-security-architecture-toward-hormuz-community>
- Moshirzadeh, H (2010), "Domestic Ideational of Iran's Foreign Policy", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol.1. No.1..
- Tabatabai, Ariane M., Jeffrey Martini, and Becca Wasser (2021), "The Iran Threat Network (ITN): Four Models of Iran's Nonstate Client Partnerships. Santa Monica", CA: RAND Corporation. https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR4231.html.
- Teller, Neville (2014) *The Search for Détente: Israel and Palestine 2012-2014*. London: Matador
- Venetis, Evangelos (2011), "The Rising power of Iran in the Middle East: Forming an axis with Iraq, Syria and Lebanon", *Middle Eastern Studies Programme*, [files.ethz.ch/isn/132450/21_2011_-WORKING-PAPER_-_Evangelos-Venetis1.pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/132450/21_2011_-WORKING-PAPER_-_Evangelos-Venetis1.pdf)
- Walt, S. M. (1987), *The Origins of Alliances*, Ithaca, NY: Cornell University Press.